

نویسنده: فنگ سانگ «Feng Zhang».
منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیت گرفت «2024-11-25».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .



پوتین و کیم جانوگ - اون

آیا چین توسط کره شمالی و روسیه بازی می شود؟

Is China being played by North Korea and Russia?

پکن دست قدرتمندی در این روابط سه جانبه دارد اما به دلایلی از بازی کردن با آن خودداری می کند

Beijing has a strong hand in these trilateral relations but for some reason it's refusing to play it

این نگرانی ها تنها با تشدید چشمگیر روابط کره شمالی با روسیه در سال جاری تشدید شده است. در ماه ژوئن، **کیم جونگ اون** و **ولادیمیر پوتین** پیمان اتحاد جدیدی را امضا کردند که در آن متعهد به کمک نظامی متقابل در صورت "تجاوز" به هر یک از کشورها شدند. در ماه اکتبر، **پیونگ یانگ** نیروهایی را به روسیه فرستاد تا به نبرد علیه اوکراین بپیوندند و بر اساس ماهها محموله‌های تسلیحاتی و مهماتی که از اوت 2023 به مسکو ارائه کرده بود، بپیوندند.

دولت چین آشکارا درباره اتحاد جدید کره شمالی با روسیه یا حمایت نظامی این کشور در اوکراین اظهار نظر نکرده است. با این حال، این احتمال وجود دارد که بحث‌ها در مورد از دست دادن ابتکار عمل چین در روابط مثلی خود با کره شمالی و روسیه در پکن داغ شود.

برای دیپلمات‌ها و مورخان باتجربه، احیای اتحاد نظامی کره شمالی و روسیه خطر بزرگی برای ثبات منطقه‌ای در شمال شرق آسیا است. این همچنین یک سوال جالب را ایجاد می‌کند: آیا چین توسط پیونگ یانگ و مسکو - برای دومین بار از زمان آغاز جنگ کره در ژوئن 1950 - بازی شده است؟

جنگ کره تنها یک سال پس از تأسیس جمهوری خلق چین (PRC) به سختی در برنامه‌های مائو تسه تونگ قرار داشت. سوابق تاریخی نشان می‌دهد که مائو و رهبری جدید جمهوری خلق چین یک اولویت مشخص داشتند: اتحاد مجدد تایوان با سرزمین اصلی چین و عدم پیگیری جاه طلبی‌های **کیم ایل سونگ** در شبه جزیره کره. هم **مائو** و هم **کیم** به دنبال حمایت **استالین** بودند و رهبر شوروی در نهایت ترجیح داد از دستور کار پیونگ یانگ به جای پکن حمایت کند.

کیم که از تردید مائو تلخ بود، تدارکات جنگی خود را از پکن پنهان کرد. کیم تنها سه روز پس از آغاز حمله خود به کره جنوبی، سرانجام رهبران چین را در مورد درگیری آگاه کرد.

یک **مائو** خشمگین گفت: «آنها همسایه‌های همسایه ما هستند، اما قبل از شروع جنگ حتی با ما مشورت نکردند. آنها تاکنون به ما اطلاع نداده‌اند.» با این حال، زمانی که نیروهای کیم پس از فرود اینچون در سپتامبر 1950 با شکست نیروهای آمریکایی مواجه شدند، **مائو** احساس کرد که چاره‌ای جز نجات کره شمالی با ورود به جنگی که **کیم** و **استالین** عملاً بر او تحمیل کرده بودند، ندارد.

اینکه آیا رهبری امروز چین احساس می‌کند به طور مشابه توسط اتحاد نظامی کره شمالی با روسیه مورد خیانت قرار گرفته است، مشخص نیست. **کیم جونگ اون** مانند پدربزرگش در سال 1950 توجه چندانی به منافع چین در محوریت **پوتین** نشان نداده است.

واکنش منفعلانه چین به **پیونگ یانگ** و **مسکو** به ویژه با توجه به موقعیت **پکن** به عنوان قوی‌ترین قدرت در این مثلث قابل توجه است. برخلاف دوران **مائو**، رهبری امروز چین برای تصمیمات استراتژیک خود نیازی به برکت **پوتین** ندارد. و پیوندهای انقلابی بین **پکن** و **پیونگ یانگ** که زمانی **مائو** و **کیم ایل سونگ** را به هم پیوند می‌داد مدت‌هاست که منحل شده است.

همانطور که تحلیلگران اغلب خاطرنشان می‌کنند، جنگ سخت **پوتین** در اوکراین، روسیه را به یک شریک کوچک - اگر نگوییم یک درخواست کننده - در رابطه با چین تقلیل داده است، برخلاف سال 1950 که اتحاد جماهیر شوروی قاطعانه از چین در هر اندازه قدرت سخت پیشی گرفت. در همین حال، کره شمالی از نظر اقتصادی عمیقاً به چین وابسته است و 90 درصد تجارت خود و بخش عمده واردات انرژی خود را در طول دوران پس از جنگ سرد به **پکن** متکی است.

با این حال، برخی از ویژگی‌های ساختاری مشابه هستند، و جنگ کره را به تشبیه مفیدی برای مخمصه فعلی چین با کره شمالی و روسیه تبدیل می‌کند. در سال 1950، شمال شرق آسیا به دو اردوگاه متضاد متبلور شد: بلوک اتحاد جماهیر شوروی، چین و کره شمالی که در برابر اتحاد ایالات متحده، ژاپن و کره جنوبی قرار گرفتند. **کیم ایل سونگ** دقیقاً به دلیل این شکاف شدید نظامی و ایدئولوژیک، حمایت استالین را از طرح اتحاد خود تضمین کرد.

امروز، شمال شرق آسیا با ر دیگر در لبه رویا رویی دو قطبی قرار گرفته است. در حالی که روابط ایالات متحده و چین شباهت کمی به اوایل دوران جنگ سرد دارد، وخامت مداوم آنها از زمان اولین ریاست جمهوری **ترامپ**، روزنه‌ای را ایجاد کرده است که **پیونگ یانگ** و **مسکو** مشتاقانه از آن بهره برداری می‌کنند. هر دو پایتخت بیزارای عمیق چین از جنگ سرد جدید با ایالات متحده را درک می‌کنند، با این حال محاسبه می‌کنند که تشدید تنش‌های ایالات متحده و چین، **پکن** را به طور فزاینده‌ای مشتاق حفظ وفاداری خود کرده است.

این فشار با توجه به روابط عمیق تاریخی و منافع امنیتی حیاتی چین در هر دو کشور تشدید می‌شود. روابط باثبات با **مسکو** و **پیونگ یانگ** برای **پکن** حیاتی است تا از مرز 2672 مایلی روسیه و 882 مایلی مرز کره شمالی محافظت کند.

این پویایی گزینه های استراتژیک چین را محدود کرده و در عین حال فضای مانور مسکو و پیونگ یانگ را افزایش داده است. هر دو پایتخت اکنون در پیچه ای برای استفاده از ترس فزاینده پکن از انزوا در رقابت خود با واشنگتن احساس می کنند.

بدین ترتیب شراکت «بدون محدودیت» چین با روسیه، «بی طرفی» مورد مطالعه در مورد اوکراین و پذیرش بی سر و صدا از ائتلاف روسیه و کره شمالی - علیرغم پیامدهای نگران کننده چین برای روابط خود پکن با پیونگ یا ننگ، پدیدار شد. اگرچه پیمان اتحاد نظامی چین در سال 1961 با کره شمالی از نظر فنی همچنان به قوت خود باقی است، پکن با دقت از هرگونه اشاره عمومی به کره شمالی به عنوان متحد خودداری کرده است.

قیاس جنگ کره، مانند همه قیاس های تاریخی، محدودیت هایی دارد. علیرغم برخی پژوهش های ساختاری، دینامیک قدرت امروز اساساً متفاوت است. مهم تر از همه، چین در حال حاضر از برتری های قدرت تعیین کننده ای نسبت به روسیه و کره شمالی برخوردار است و موضع منفعلانه پکن را بیش از پیش گیج کننده تر می کند. شکست آن در شکل دادن به رویدادها نه از ضعف، بلکه از بی میلی ظاهری برای اعمال اهرم قدرت ناشی می شود. به نظر می رسد پکن در به چالش کشیدن پوتین یا **کیم** تقریباً مردد است و ترس د بیلماتیکی عجیبی را آشکار می کند که در آن قاطعیت بهتر به نفع آن است.

موضع انفعالی پکن ممکن است ناشی از یک فرهنگ استراتژیک عمیقاً ریشه دار باشد که با تحلیل روندهای ساختاری گسترده (زینگشی) آغاز می شود. هیچ استراتژیست محتاط نمی تواند چنین محدودیت هایی را نادیده بگیرد، اما این مشغله اغلب باعث ایجاد سیاست های بیش از حد محتاطانه و واکنشی می شود.

چنین تفکر تدافعی چین ۷ در برابر اپورتونیزم جسورانه کره شمالی و روسیه آسیب پذیر است. سیاستگذاران چینی حق دارند نگران از دست دادن اهرم فشار بر کره شمالی و روسیه باشند. راه حل واضح، اعمال ابتکار عمل بیشتر با استفاده قاطعانه از قدرت قابل توجه چین است. مائو به عنوان یک رهبر ابتکار عمل قابل توجهی از خود نشان داد، اما در مورد سیاست کره شمالی، دنگ شیائوپینگ مدل مناسب تری برای چالش های امروزی ارائه می دهد.

در دسامبر 1985، دنگ مسیر جدیدی را در مورد کره شمالی ترسیم کرد: «ما باید از روابطمان با کره شمالی درس بگیریم. ما نباید به کره شمالی این تصور غلط بدهیم که هر چه آنها بخواهند ما به آنها خواهیم داد.» او تسلیم نشد: «البته، کره شمالی ناراضی هستند. بگذار باشد. ما باید از کشاندن ما به مشکل جلوگیری کنیم.»

چین امروز باید به درس های موضع واکنشی و ریسک گریز خود در قبال کره شمالی توجه کند. علیرغم موقعیت فرماندهی خود، پکن ابتکار عمل را تسلیم کرده است. سوال باقی می ماند: چرا چین چنین دست ضعیفی بازی می کند؟ م یک موقعیت قدرت؟

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

فنگ ژانگ فنگ ژانگ یک محقق مدعو در مرکز چین پل تسای دانشکده حقوق بیپل است. او قبلا در دانشگاه Tsinghua، دانشگاه مرداک و دانشگاه ملی استرالیا تدریس کرده است.



فنگ ژانگ

با تقدیم احترامات «2024-11-30»
